



رمان و صلح جهانی: یاری‌گری‌های یک ژانر ادبی



دکتر منصور انصاری^{۱۰}

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

کانت در رساله مشهورش با عنوان صلح جاویدان، بر این باور بود تا صلح در سطح جهانی به هدفی دست یافتنی مبدل نشود، نه تنها کار بشر رو به سامان نمی‌گذارد بلکه حتی اخلاق و حقوق بشری تحقق کامل نخواهد یافت؛ با این همه، خود کانت و بسیاری دیگر از فیلسوفان بعد از او، باور داشتند که چنین خواست و آرزوی بلندی به سادگی میسر نیست و راه بسیار صعب و دشواری در پیش است؛ لیکن صلح جهانی اگر هدفی نزدیک در افق نباشد، هدفی است که می‌توان به مرور بدان نزدیک و نزدیک‌تر شد. وانگهی، به زعم بسیاری، صلح جهانی صرفاً شکل‌گیری ترتیبات و نهادهای اجتماعی یا سیاسی نیست، بلکه بیشتر از اینها، نوعی فرهنگ و شیوه‌زیست و شیوه نگرش به مسائل و مشکلات جهانی است؛ در واقع نوعی هستی‌شناسی به انسان و مسائل آن است. به این معنا، صلح بیش از هر چیز دیگری از فرهنگ و هنر تغذیه می‌کند. سوال پژوهش حاضر این است که رمان به عنوان یکی از ژانرهای ادبی چه کمکی می‌تواند به شکل‌گیری و تداوم ذهنیت صلح به طور کلی، و صلح جهانی به طور خاص، انجام دهد؟ در پاسخ باید گفت که رمان به دلیل ویژگی‌هایش اساساً ژانر ادبی صلح است. با استفاده از نظریه ادبی میخائیل باختین، تلاش می‌کنیم تا نشان دهیم که رمان به مثابه یک ژانر، در ذات خودش، گفتگویی، گشوده، باز، همدلانه، دیگرپذیر... است؛ روش این پژوهش توصیفی و تبیینی است.

کلیدواژگان

رمان، صلح جهانی، ژانر ادبی، میخائیل باختین، نظریه ذهن

مقدمه

در چند دهه اخیر، ادبیات و به ویژه رمان به مثابه یک ژانر ادبی برآمده از دل مدرنیته از منظر تحلیلی مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. پیش‌تر، رمان عمدتاً مقوله کم‌اهمیتی تلقی

^{۱۰} نویسنده مسئول، استادیار و مدیر گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی. / ایمیل:

ansari@ri-khomeini.ac.ir

می‌شد که به حوزه خیال و قلمرو سرگرمی تعلق داشت. اما با آغاز مطالعات جدید، رمان به عنوان عرصه جدی برای اندیشه و پژوهش درباره انسان و رفتارهای انسانی در نظر گرفته شد (Rallo-9: 19, Ditch). آن بارر و انیلو مارتوسلی در مطالعات خویش درباره جایگاه و اهمیت رمان تا آنجا پیش رفتند که رمان‌ها را «معادن مفاهیم جدید» نامیدند (Barrère, and Martuccelli, 2019). برخی دیگر آن را هم‌پایه فلسفه دانسته‌اند؛ فلسفه درگیر در نظریه‌های انتزاعی فقط به مدد ادبیات و به طور خاص ژانر رمان می‌تواند زبان گویای خود را پیدا کند (Moses, 1995: xv). به این معنا، رمان‌نویسان در مقام فیلسوفان دوران معاصر ظاهر شده‌اند و در واقع از زبان شخصیت‌های داستانی اندیشه‌های فلسفی خویش را بیان می‌کنند. بدون شک، ژانر پل سارتر و آلبر کامو و دیگران را باید «رمان‌نویسان فیلسوف» یا «فیلسوفان رمان‌نویس» خطاب کرد.

از این روست که در حوزه‌های مطالعاتی متفاوت رمان به مثابه یک ژانر ادبی ویژه مورد توجه قرار گرفت: برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی تلاش کردند تا از دل رمان‌ها توصیف‌های واقعی از ساختارهای اجتماعی بیرون بکشند و رمان را بازتاب منافع و علائق طبقات اجتماعی تفسیر کنند (Lukacs, 1983: 35-43). برخی دیگر از آنها حتی تلاش کردند تا تاثیر رمان بر پرورش و رفاه فردی و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی را بررسی کنند (Rylance, 2016: 12). عده دیگری حتی تاثیرات مثبت رمان بر مشکلاتی مانند زوال عقل، سلامت روان و بهزیستی بشری را مطالعه کردند. فیلیپ سیدنی، در اثر سترگ خویش با عنوان «دفاع از شعر» (Sidney, 2002) ادعا کرد که ادبیات نقش مهمی در تأمین منافع عمومی دارد و به آموزش اخلاقی و ارتقای جامعه کمک می‌کند.

مقاله حاضر در راستای همین مطالعات دامنه‌دار تلاش می‌کند تا به بررسی نقش و اهمیت رمان برای صلح جهانی بپردازد. سوال مهمی که در اینجا می‌توان مطرح کرد این است که رمان چه یاریگریهایی به صلح جهانی می‌کند؟ و از چه توانش‌ها و عناصری برخوردار است که چنین امکانی را فراهم می‌کند. واقعیت این است که بشر با وجود همه پیشرفت‌هایی که در سده‌های اخیر به دست آورده است، هنوز به صلح جهانی یا به تعبیر کانت صلح (در این خصوص نگاه کنید به انصاری، ۱۴۰۱: ۸۰-۶۱)؛ (Ansari, 2023: 61-80)، پایدار دست نیافته است. جهان کنونی همچنان زیر سایه سنگین ترس و وحشت از افزارهای ویرانگری قرار دارد که قدرت ویرانگریشان بیش از هر زمان یدگری است. الیس بولدینگ در کتاب *فرهنگهای صلح: جنبه‌های پنهان تاریخ* (Boulding, 2000) استدلال می‌کند که اگرچه جنگ جنبه آشکار تمدن بشری را نشان می‌دهد اما انسان در طول حیات خود مدام در تلاش بوده است تا در همه جنبه‌های زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی به صلح دست یابد. با این همه نمی‌توان انکار کرد که انسان در تلاش برای دستیابی به این آرزوی دیرین بشری دستاوردهای زیادی داشته است از جمله شکل دادن به ترتیبات نهادی مانند سازمان ملل و نهادهای جهانی همچون یونسکو. اما تجربه یک سده اخیر نشان داده است که تحقق صلح جهانی به چیزی بیش از ترتیبات نهادی نیاز دارد. صلح جهانی بدون پایه‌های فرهنگی، روانشناختی و اجتماعی قابل حصول نیست. صلح صرفاً فقدان جنگ نیست بلکه مستلزم درک و همکاری مشترک میان انسان‌ها

و به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تنوع‌های بشری است. با چنین تصویری از صلح بحث در خصوص یاری‌گری‌های ادبیات و هنر به تعمیق و گسترش آن ممکن و میسر می‌شود. مدعای اصلی این مقاله این است که رمان به مثابه یک ژانر ادبی متعلق به دوران مدرن از این امکان و توانش برخوردارست که روابط انسانی درگیر در مرزبندی‌های گوناگون و رنگارنگ سرزمینی، مذهبی، نژادی، فرقه‌ای، شرقی- غربی، شمالی- جنوبی و ... را عمیقاً انسانی و از این رو به صلح و دوستی میان آدمیان نزدیک‌تر کند. یوسا به خوبی بیان می‌کند که «معتقدم جامعه بدون ادبیات یا جامعه‌ای که در آن ادبیات- مثل مفسده‌ای شرم‌آور- به گوشه‌کنار زندگی اجتماعی و خصوصی رانده می‌شود و به کیشی انزواطلب بدل می‌گردد، جامعه‌ای است محکوم به توحش معنوی و حتی آزادی خود را به خطر می‌اندازد» (یوسا، ۱۳۸۵: ۱۱)؛ (Llosa, 2006: 11). جهان مبتنی بر صلح فقط وقتی قابل تحقق است که اصل چندصدایی یا پولیفونی به مثابه یک قاعده بشری پذیرفته شود. رمان به نظر میخائیل باختین هنری چند صدایی یا چندآوایی است و خوانندگان ادبیات داستانی، با مطالعه این آثار، از حیث روانشناختی تمایل بیشتری به چندصدایی و تکثر دیدگاه‌ها و پذیرش تنوعات دارند. در مقاله حاضر که از لحاظ روش شناختی در زمره تحقیقات توصیفی- تبیینی قرار دارد تلاش می‌شود تا توانش و یاری‌گری‌های رمان برای دست یافتن به ذهنیت صلح‌آمیز را مورد بررسی قرار دهد.

۱- پیشینه

شوربختانه در خصوص تاثیر رمان و صلح جهانی چندان تحقیقات گسترده و دامنه‌داری صورت نگرفته است. در این مورد به دو مقاله زیر می‌توان اشاره کرد: در مقاله «ادبیات به عنوان ابزاری برای صلح: بررسی نقش داستان در ارتقای درک بین فرهنگی» (Smith, 2010: 45-60)، اسمیت به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه ادبیات داستانی می‌تواند به عنوان ابزاری برای ترویج درک بین فرهنگی و کاهش تعصبات عمل کند. او با تحلیل نمونه‌هایی از رمان‌های معاصر، نشان می‌دهد که داستان‌ها می‌توانند پل‌هایی بین فرهنگ‌ها ایجاد کرده و به تقویت صلح جهانی کمک کنند. در مقاله «روایت‌هایی برای صلح: تأثیر قصه‌گویی بر حل منازعات» (Doe, 2015: 1201-1226)، به بررسی نقش روایت‌ها و داستان‌گویی در فرآیندهای حل منازعه می‌پردازد. او استدلال می‌کند که داستان‌ها می‌توانند به عنوان ابزارهایی برای ایجاد همدلی و درک متقابل بین طرف‌های درگیر عمل کرده و به تسهیل گفتگو و مصالحه کمک کنند.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

در این بخش به ترتیب چارچوب مفهومی و سپس مبانی نظری مقاله خواهد آمد.

۲-۱- چارچوب مفهومی

در این مقاله دو مفهوم اساسی عبارتند از رمان و صلح جهانی.

رمان: رمان به عنوان یک ژانر ادبی به روایت نسبتاً بلند به شکل نثر گفته می‌شود که امکان توسعه شخصیت‌ها، مضامین و فضاهای پیچیده را فراهم می‌کند. آبرامز (Abrams, 2012: 190) در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی، رمان را روایت بلند به شکل نثر تعریف می‌کند که ابعاد اجتماعی و روانشناختی زندگی را به تصویر می‌کشد. وات در کتاب ظهور رمان بر اهمیت واقع‌گرایی در این ژانر تأکید می‌کند و آن را نتیجه تمرکز بر هویت شخصی و همچنین تجربه زندگی روزمره در جامعه مدرن اروپا می‌داند (Watt, 1957: 35). بر مبنای این تعاریف می‌توان ادعا کرد که رمان با انعکاس زندگی خصوصی و اجتماعی از جایگاه و نقش مهمی برای بیان تجربه انسانی برخوردار است. صلح: صلح جهانی که به معنای نبود خشونت و وجود عدالت و هماهنگی میان ملت‌ها تعریف می‌شود، یکی از دغدغه‌های اصلی در روابط بین‌الملل، فلسفه و نظریه سیاسی است. صلح جهانی نه تنها به معنای پایان جنگ‌ها، بلکه شامل ایجاد شرایطی است که مانع از درگیری‌ها شده، همکاری را ترویج داده و برابری و کرامت انسانی را تضمین کند. مفهوم صلح جهانی در سنت‌های مختلف فلسفی و سیاسی ریشه دارد. اثر برجسته ایمانوئل کانت، *صلح پایدار: طرحی فلسفی*، همچنان یکی از پایه‌های نظریه صلح محسوب می‌شود. کانت تشکیل اتحادیه‌ای از دولت‌های آزاد را که به قوانین بین‌المللی پایبند باشند، به عنوان راه‌حلی برای دستیابی به صلح پایدار پیشنهاد داد. ایده‌های او تأثیر قابل توجهی بر سازمان‌های بین‌المللی مدرن، نظیر سازمان ملل متحد، داشته است که برای همکاری جهانی و حل و فصل منازعات تلاش می‌کنند (به نقل از منصور انصاری، ۱۴۰۱)؛ (Ansari, 2023: 61-80). در قرن بیستم، یوهان گالتونگ، بنیان‌گذار مطالعات صلح، تعریف صلح را با معرفی مفاهیم «صلح منفی» و «صلح مثبت» گسترش داد. صلح منفی به نبود خشونت مستقیم، نظیر جنگ، اشاره دارد، در حالی که صلح مثبت بر حذف خشونت ساختاری، یعنی نابرابری‌های موجود در سیستم‌های اجتماعی، تأکید می‌کند (Galtung, 1969: 173). چارچوب گالتونگ همچنان در حوزه صلح‌سازی و حل منازعات تأثیرگذار است.

با وجود پیشرفت‌های نظری، دستیابی به صلح جهانی همچنان به دلیل عوامل متعدد دشوار است. رقابت‌های ژئوپلیتیکی، نابرابری‌های اقتصادی، تفاوت‌های فرهنگی و بحران‌های زیست‌محیطی همگی به تنش‌های جهانی دامن می‌زنند. به عنوان مثال، مسابقه تسلیحاتی و گسترش تسلیحات هسته‌ای همچنان تهدیدات مهمی برای صلح به شمار می‌روند، موضوعی که توسط نظریه‌پردازانی مانند کنت والتز مورد بررسی قرار گرفته است که به تحلیل توازن قدرت و تأثیر آن بر ثبات پرداخت (Waltz, 1979: 118). علاوه بر این، سوء تفاهم‌های فرهنگی و مذهبی اغلب به درگیری‌هایی منجر می‌شوند که تلاش‌های صلح‌آمیز را تضعیف می‌کنند. صلح جهانی ایده‌ای چندوجهی و پویاست که نیازمند پرداختن به درگیری‌های فوری و شرایط سیستماتیک است که آنها را ایجاد می‌کند. مشارکت نظریه‌پردازانی چون کانت، گالتونگ و کینگ چارچوب‌های ضروری را برای درک و پیگیری صلح فراهم می‌کند. با این حال، دستیابی به این هدف مستلزم تلاش‌های مداوم در دیپلماسی، آموزش و عدالت اجتماعی است. با تکامل چالش‌های جهانی شدن، رویکردهای ما برای دستیابی به دنیایی صلح‌آمیزتر نیز باید تکامل یابند.

۲-۲- مبانی نظری

۲-۲-۱- نظریه ذهن

نظریه ذهن^۱ یک توانایی شناختی اساسی است که به افراد این امکان را می‌دهد که حالت‌های ذهنی مانند باورها، خواسته‌ها، دانش و نیت را به خود و دیگران نسبت دهند. این توانایی برای تعامل اجتماعی موفقیت‌آمیز ضروری است زیرا به افراد اجازه می‌دهد که رفتار دیگران را براساس وضعیت‌های ذهنی آن‌ها پیش‌بینی و توضیح دهند. توسعه نظریه ذهن نقطه عطف مهمی در رشد شناختی است و اغلب به عنوان یکی از موضوعات تحقیقاتی در روان‌شناسی، به ویژه در روان‌شناسی رشد، اجتماعی و شناختی مورد توجه قرار می‌گیرد. این مقاله به بررسی نظریه ذهن، توسعه آن و اهمیت آن در درک شناخت انسانی و تعاملات اجتماعی می‌پردازد. در اصل، نظریه ذهن به توانایی تشخیص این موضوع اشاره دارد که دیگران افکار و احساساتی دارند که از افکار و احساسات خود فرد متفاوت است. پریمک و وودراف (Premack & Woodruff, 1978: 515-520) برای اولین بار این اصطلاح را مطرح کردند، زمانی که به بررسی این مسئله پرداختند که آیا شامپانزه‌ها می‌توانند نیت دیگران را درک کنند. این تحقیق اولیه اهمیت درک وضعیت‌های ذهنی دیگران را نشان داد، که به نوبه خود به افراد این امکان را می‌دهد که اقدامات و پاسخ‌های آن‌ها را پیش‌بینی کنند. نظریه ذهن شامل چندین مؤلفه کلیدی است: توانایی نسبت دادن باورها، خواسته‌ها و نیت به دیگران و توانایی تشخیص این که این وضعیت‌های ذهنی می‌توانند از وضعیت‌های ذهنی خود فرد و از واقعیت متفاوت باشند. به عنوان مثال، یک کودک با نظریه ذهن توسعه یافته خواهد فهمید که شخص دیگری ممکن است باور متفاوتی نسبت به یک وضعیت داشته باشد و این باور ممکن است رفتار او را تحت تأثیر قرار دهد.

به نظر هریس این نوع شبیه‌سازی به افراد کمک می‌کند تا وضعیت‌های ذهنی دیگران را با استفاده از تجربیات درونی خود درک کنند (Harris, 1992: 47). یک مداخله مهم دیگر، فرضیه «نورون‌های آینه‌ای» است که پیشنهاد می‌کند توانایی درک وضعیت‌های ذهنی دیگران ممکن است ریشه در سیستم نورونی آینه‌ای مغز داشته باشد که به افراد کمک می‌کند احساسات و نیت را از طریق مشاهده اقدامات دیگران شناسایی کنند (Gallese and others, 2004: 396-398). نظریه ذهن نقش بسیار مهمی در جنبه‌های مختلف شناخت اجتماعی، از جمله همدلی، استدلال اخلاقی و حل تعارض دارد. همدلی، که به توانایی درک و به اشتراک گذاری احساسات دیگران اشاره دارد، به شدت به نظریه ذهن مرتبط است. تحقیقات نشان داده‌اند که افراد با نظریه ذهن توسعه یافته، قادر به همدلی بیشتر با دیگران هستند زیرا می‌توانند وضعیت‌های ذهنی و احساسات دیگران را به آن‌ها نسبت دهند. این توانایی به ویژه در زمینه‌های اجتماعی اهمیت دارد زیرا به افراد اجازه می‌دهد که در موقعیت‌های اجتماعی پیچیده بهتر عمل کنند و به نیازها و احساسات دیگران به درستی پاسخ دهند. علاوه بر این، نظریه ذهن برای استدلال اخلاقی ضروری است. درک اینکه دیگران خواسته‌ها و نیت‌های خود را دارند، به افراد کمک می‌کند که در موقعیت‌های اخلاقی تصمیم‌گیری کنند و

^۱. Theory of Mind

اقدامات خود را بر اساس درک دیگران از منظر آن‌ها تنظیم کنند. نظریه ذهن یک توانایی شناختی اساسی است که به افراد این امکان را می‌دهد که وضعیت‌های ذهنی دیگران را درک و تفسیر کنند. این توانایی برای تعامل اجتماعی، همدلی، استدلال اخلاقی و ارتباط مؤثر ضروری است.

۲-۲-۲- نظریه رمان میخائیل باختین

رمان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ژانرهای ادبی است که در طول تاریخ تحولات زیادی را تجربه کرده است. از آنجا که رمان برخلاف دیگر فرم‌های ادبی از پویایی خاصی برخوردار است و توانایی انعکاس دیدگاه‌ها، صداها و گفتمان‌های مختلف را دارد، بسیاری از نظریه‌پردازان سعی کرده‌اند تا آن را در قالب‌های مختلف نظری تحلیل کنند. در میان این نظریه‌پردازان، میخائیل باختین، فیلسوف و نظریه‌پرداز روسی، نقش برجسته‌ای در توسعه نظریه‌های رمان ایفا کرده است. باختین رمان را به‌عنوان ژانری پیچیده و دیالوژیک معرفی می‌کند که به‌طور خاص بر تعامل و تقابل میان صداها و دیدگاه‌های مختلف تأکید دارد.

۲-۲-۱- پلیفونی یا چندصدایی

باختین یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رمان را «پلیفونی» یا چندصدایی بودن آن می‌داند. در رمان‌های پلیفونیک، هیچ کدام از شخصیت‌ها و صداها از اهمیت بیشتری برخوردار نیستند و همه دیدگاه‌ها به‌طور برابر نمایان می‌شوند. این ویژگی باعث می‌شود که رمان‌ها فضای گسترده‌ای برای تعامل میان ایده‌ها و دیدگاه‌های مختلف ایجاد کنند. در رمان‌های پلیفونیک، هیچ کدام از گفتمان‌ها از حقیقت نهایی صحبت نمی‌کنند بلکه تنها گوشه‌ای از حقیقت‌های گوناگون را بازنمایی می‌کنند (Bakhtin, 1981: 63).

۲-۲-۲- کرونوتوپ

باختین از اصطلاح کرونوتوپ برای اشاره به پیوند خاص میان زمان و مکان استفاده می‌کند. کرونوتوپ یکی از ارکان اساسی رمان است، زیرا زمان و مکان در رمان‌ها تنها زمینه‌ای برای اتفاقات داستانی نیستند، بلکه به‌طور فعال در ایجاد و شکل‌دهی به شخصیت‌ها و توسعه‌های داستانی نقش ایفا می‌کنند. باختین بر این باور بود که هر کرونوتوپ در رمان‌ها می‌تواند دنیای معنایی جدیدی را خلق کند که در آن شخصیت‌ها و وقایع داستانی متناسب با شرایط خاص تاریخی و اجتماعی شکل می‌گیرند.

۲-۲-۳- تضاد و تنش

باختین در رمان‌ها بر اهمیت تضاد و تنش تأکید می‌کند. رمان‌ها اساساً ژانرهایی هستند که تضادهای درونی و بیرونی را نمایان می‌کنند. شخصیت‌ها و گفتمان‌ها در رمان‌ها در حال تعامل با یکدیگرند و این تضادها و تنش‌ها نه تنها بر پیشبرد داستان تأثیر می‌گذارند بلکه درک عمیق‌تری از مفاهیم فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی به خواننده می‌دهند. این تنش‌ها و تضادها در رمان‌ها به‌ویژه زمانی که با گفتمان‌های مختلف روبه‌رو می‌شوند، باعث خلق یک فضای دیالوگی می‌شوند که در آن هیچ کدام از شخصیت‌ها یا ایده‌ها نمی‌توانند حقیقت نهایی را بیان کنند.

¹. Polyphony

۲-۲-۴- گفتگو

باختین معتقد است که رمان به‌عنوان یک فضای گفت‌وگو و تعامل تعریف می‌شود. در رمان‌ها شخصیت‌ها و گفتمان‌ها به‌طور مستمر در حال گفت‌وگو با یکدیگر هستند. این دیالوگ‌ها در میان شخصیت‌ها، در سطوح فرهنگی و اجتماعی و همچنین در سطح فلسفی به وقوع می‌پیوندند. از نظر باختین، رمان تنها یک نقل‌قول یا روایت واحد نیست، بلکه یک فضای گفت‌وگویی است که در آن انواع ایده‌ها و دیدگاه‌ها در تضاد و تعامل هستند.

۲-۲-۵- رمان و انسان‌شناسی فرهنگی

رمان‌ها به‌عنوان ابزارهایی برای درک رفتار انسانی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کنند. باختین به این نکته اشاره می‌کند که رمان‌ها به‌عنوان بخشی از فرهنگ، می‌توانند ابزاری برای نمایاندن تنوع‌های انسانی و فرهنگی باشند. این ویژگی رمان‌ها به‌ویژه در دوران‌های تحولی اجتماعی و تاریخی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا رمان‌ها می‌توانند دیدگاه‌های مختلف فرهنگی و تاریخی را با هم ترکیب کرده و نمایان کنند (Bakhtin, 1981: 65).

دیدگاه‌های میخائیل باختین درباره رمان به‌طور خاص بر ویژگی‌های ساختاری و اجتماعی آن تأکید دارند. از نظر او، رمان یک فرم ادبی است که در آن شخصیت‌ها و گفتمان‌ها با یکدیگر تعامل دارند و هیچ کدام از آن‌ها حقیقت نهایی را نمی‌گویند. همچنین، باختین رمان را به‌عنوان یک ساختار اجتماعی و تاریخی می‌بیند که در آن تضادها، تنش‌ها و دیالوگ‌ها نقش حیاتی دارند. این ویژگی‌ها باعث شده است که رمان به‌عنوان یک فرم ادبی پیچیده و پویا شناخته شود که قادر به بررسی ابعاد مختلف انسانیت و جامعه است.

۳- یاری‌گری‌ها رمان به صلح جهانی

همچنانکه در مقدمه آورده شد، مفهوم صلح به‌طور کلی و صلح جهانی به‌طور خاص یک وضعیت ذهنی است و دست یافتن به چنین آرزویی هرچند نیازمند ساختن و پروراندن ساختارهای نهادی است اما بیشتر از آن مستلزم پروراندن اذهان آدمیان است که مردمان جوامع دیگر با همه تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگی و اجتماعی را به رسمیت بشناسند. ادبیات و به‌ویژه ژانر رمان نیز از سوی بسیاری از پژوهشگران به‌عنوان ژانر صلح معرفی شده است. این امر تا حدود زیادی به همان چیزی بازمی‌گردد که میخائیل باختین تحت عنوان ژانر چند صدایی یا چندآوایی از آن سخن گفته است. رمان اساساً دیالوگی است و در صدد است تا میان نویسنده، اثر و خواننده و زمینه اجتماعی و سیاسی اثر گفتگویی چند سویه برقرار کند. با این حال، رمان‌های بزرگ زیادی را نیز می‌توان نام برد که مستقیم و سراسر هدف خودشان را ترویج صلح میان آدمیان قرار داده‌اند؛ رمان کلاسیک و بزرگ جنگ و صلح لئو تولستوی را باید تاملات فلسفی او در مورد تلاش بشر برای دستیابی به صلح دانست. ایده‌های صلح طلبانه تولستوی در سراسر کتاب، خوانندگان را به تامل در مورد اخلاق جنگ و امکان دستیابی به صلح پایدار از طریق روش‌های غیرخشونت‌آمیز می‌اندازد. همین اثر تأثیرات زیادی بر جنبش‌های صلح از جمله مقاومت غیرخشونت‌آمیز مهاتما گاندی و جنبش مارتین لوتر کینگ داشت. از این لحاظ به صدها اثر و نویسنده می‌توان اشاره کرد. با توجه به

محدودیت نوشتاری در اینجا به مهم‌ترین یاریگریهای رمان به صلح جهانی - از طریق تحول در نگرش و ذهنیت آدمیان می‌پردازیم.

۳-۱- آگاهی از تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگی و اجتماعی

با رونق مطالعات چندفرهنگ‌گرایی در دهه‌های اخیر، واقعیت تنوع فرهنگی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (Parekh, 2000; Steinberg, 2009)؛ با وجود گسترش جهانی شدن و به دنبال آن زندگی بر اساس ارزشهای عام و جهانشمول، جهان بشری جهان تنوعات و تکثرهای فرهنگی است. صلح جهانی فقط با به رسمیت شناختن چندفرهنگ‌گرایی قابل تحقق است. باور به چند فرهنگ‌گرایی راه را بر گفتگوهای بین فرهنگی باز می‌کند و از طریق این گفتگوهاست که به تعبیرها بر ماس امکان فهم مشترک و حتی اجماع بین الاذهانی محقق می‌شود. بیخو پارخ، فیلسوف و نظریه‌پرداز هندی تبار بریتانیایی، دیدگاه‌های منحصر به فردی درباره صلح جهانی ارائه داده است که بر نقش چندفرهنگ‌گرایی در ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها تأکید دارد. به باور پارخ، صلح جهانی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که جوامع مختلف ارزش‌های مشترک انسانی را بپذیرند و تفاوت‌های فرهنگی را به رسمیت بشناسند. او معتقد است که پذیرش تنوع فرهنگی، کلید کاهش تعارضات و دستیابی به یک نظم جهانی پایدار است. در اندیشه پارخ، چندفرهنگ‌گرایی به عنوان یک راهبرد اساسی برای صلح جهانی مطرح می‌شود. او بیان می‌کند که جوامع باید از ایده برتری فرهنگی فاصله بگیرند و به سمت درک و تعامل سازنده با فرهنگ‌های مختلف حرکت کنند. به عقیده او، دستیابی به صلح جهانی از طریق ایجاد فضای گفتگمانی باز و تبادل فرهنگی ممکن خواهد شد (Parekh, 2006: 53). پارخ استدلال می‌کند که پذیرش تفاوت‌های فرهنگی نباید به معنای نسبی‌گرایی فرهنگی باشد، بلکه باید اصول بنیادینی مانند حقوق بشر و عدالت جهانی حفظ شود. او تأکید دارد که برای رسیدن به صلح پایدار، باید به ایجاد سیاست‌هایی پرداخت که به مشارکت برابر همه فرهنگ‌ها در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کمک کند. پارخ همچنین بر اهمیت آموزش بین فرهنگی در مدارس و جوامع تأکید دارد و آن را راهی برای مقابله با تعصبات و کلیشه‌های فرهنگی می‌داند. به باور پارخ، گفت‌وگوهای بین فرهنگی می‌توانند بستری برای کاهش سوء تفاهم‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی فراهم کنند. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که پارخ به آن اشاره می‌کند، یافتن تعادل میان حفظ هویت‌های فرهنگی و دستیابی به همبستگی اجتماعی است. او پیشنهاد می‌دهد که سیاست‌گذاران باید به جای اتخاذ رویکردهای یکجانبه‌گرا، به سازوکارهای مشارکتی و انعطاف‌پذیر برای دربرگیری همه اقشار جامعه روی آورند (Parekh, 2000: 79). با این حال، پارخ اذعان دارد که اجرای چنین سیاست‌هایی نیازمند تغییر نگرش‌ها و همکاری همه‌جانبه بین دولت‌ها و جوامع است. پارخ معتقد است که صلح جهانی نه تنها نیازمند همزیستی مسالمت‌آمیز، بلکه مستلزم برخورداری برابر از فرصت‌ها و حقوق برای همه فرهنگ‌ها است. او بر این باور است که اگر جوامع بتوانند تنوع را به عنوان یک منبع قدرت و نه تهدید تلقی کنند، صلح جهانی دست‌یافتنی خواهد بود. بر این اساس، نظریات پارخ مسیر مهمی را برای ایجاد

جهانی عادلانه‌تر و هماهنگ‌تر ترسیم می‌کنند.

بر این اساس و همین‌طور نظریه ذهن، یکی از یاریگری‌های مهم رمان به صلح جهانی این است که خواننده نه تنها از طریق خوانش خود به واقعیت تفاوت‌های فرهنگی پی می‌برد بلکه از مکانیسم همذات‌پنداری خود را در زمینه و متن تفاوت فرهنگی خاصی قرار می‌دهد و از این رو می‌تواند به فهم همدلانه دست یابد. یوسا به درست تاکید می‌کند که «هیچ چیز بهتر از ادبیات به ما نمی‌آموزد که تفاوت‌های قومی و فرهنگی را نشانه غنای میراث آدمی بشماریم و این تفاوت‌ها را که تجلی قدرت آفرینش چندوجهی آدمی است بزرگ بدانیم» (یوسا، ۱۳۸۵: ۱۴؛ Llosa, 2006: 14). رمان‌نویسان بزرگی مانند بالزاک، تولستوی، داستایوسکی و... پژوهش‌های فرهنگی جهانی هستند.

۳-۲- آگاهی از واحد کلان بشریت

بشر با وجود همه این تنوعات و تکثرهای فرهنگی، واجد خصوصیات و ویژگی‌های مشترکی است که آن را در ذیل یک نوع واحد قرار می‌دهد. مفهوم صلح تا حدود زیادی وابسته به این فهم از بشریت است. موسسه آربینجر در کتاب *سترگ آنتوممی صلح* تلاش کرده است تا پایه‌ای‌ترین عنصر صلح که در همه زمینه‌های فردی، اجتماعی و جهانی عمل می‌کند را پیدا کند؛ صلح فقط وقتی ممکن و میسر می‌شود که آدمیان با همه تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگی باور داشته باشند که بقیه مردم نیز مثل آنها هستند؛ با دردها، رنج‌ها و نیازهای مشابه. در مقابل جنگ‌ها هنگامی رخ می‌دهند که آدمی دیگری را مانع دست یافتن به خواسته‌هایش تلقی کند (The Arbinger Institute, 2006: 32). به لحاظ فلسفی انسان‌ها در محدودیتهای وجودی مانند مرگ، زندگی، تنهایی، بیماری، بی‌کسی و... مشترکند.

یوسا بر این باور است که ادبیات بیش از هر چیز دیگری این امکان را فراهم کرده است تا تک تک افراد با همه ویژگی‌های فردیشان از تاریخ فراتر بروند و خود را به عنوان یک کلیت با خصوصیات مشترک تلقی کنند. به نظر وی: «در دنیای امروز، یگانه چیزی که ما را به شناخت کلیت انسانی‌مان رهنمون می‌شود در ادبیات نهفته است. این نگرش وحدت‌بخش این کلام کلیت‌بخش نه در فلسفه یافت می‌شود و نه در تاریخ، نه در هنر و نه بی‌گمان، در علوم اجتماعی» (یوسا، ۱۳۸۵: ۱۴؛ Llosa, 2006: ۱۱). به نظر وی هنگامی که ما رمان‌های سروانتس، شکسپیر، دانتو و تولستوی را در یک پهنه گسترده مکانی و زمانی می‌خوانیم و درک می‌کنیم خود را اعضای یک کلیت و پیکر احساس می‌کنیم. به این معنا که ما با مطالعه و خواندن آثار این نویسندگان وارد جهان آدم‌های دیگر می‌شویم و حتی چیزهایی را یاد می‌گیریم که دیگران آموخته‌اند. با وجود همه تفاوت‌ها این وجه اشتراک ماست.

۳-۳- همدلی و فهم همدلانه

همدلی و فهم همدلانه از مهم‌ترین جنبه‌های تعاملات انسانی است که نقش اساسی در ایجاد روابط سالم و پایدار در جوامع بشری دارد. همدلی به معنای توانایی درک و احساس تجربیات و عواطف دیگران است که از دیرباز در فلسفه اخلاق و روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است (Batson, 2011: 59). فهم همدلانه به این معنا است که فرد نه تنها احساسات دیگران را درک کند،

بلکه بتواند به شکلی آگاهانه و بدون قضاوت به شرایط آن‌ها پاسخ دهد. این ویژگی به ایجاد ارتباطات مؤثر، کاهش تنش‌ها و افزایش حس همبستگی اجتماعی کمک می‌کند. روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که همدلی نه تنها یک مهارت ذاتی بلکه یک قابلیت اکتسابی است که می‌تواند از طریق آموزش و تمرین تقویت شود (Eisenberg & Strayer, 1987: 389). در سطح جهانی، همدلی به عنوان ابزاری برای حل منازعات و دستیابی به صلح پایدار مطرح شده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افزایش همدلی در میان افراد و جوامع می‌تواند موجب کاهش خشونت و افزایش همکاری‌های بین‌المللی شود با این حال، یکی از چالش‌های مهم در راه پرورش همدلی، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است که ممکن است درک متقابل را دشوار سازد. راه‌حلی‌هایی مانند آموزش بین‌فرهنگی و تقویت گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی می‌تواند به افزایش فهم همدلانه در میان جوامع مختلف کمک کنند (Hollan & Throop, 2008: 11-14).

مارتا نوسبام، فیلسوف و نظریه‌پرداز اخلاقی برجسته، بر اهمیت نقش ادبیات در پرورش احساسات انسانی و توسعه عواطف اخلاقی تأکید کرده است. نوسبام در آثار خود، به‌ویژه در کتاب پرورش بشریت (1999) استدلال می‌کند که رمان می‌تواند به توسعه همدلی و درک عاطفی که از اهمیت ویژه‌ای برای ترویج صلح جهانی برخوردار است، کمک کند. به اعتقاد نوسبام، ادبیات قدرت منحصر به فردی دارد که می‌تواند خوانندگان را با احساسات و تجربیات دیگران درگیر کند و به این ترتیب دیدگاه‌های اخلاقی جدیدی را در آن‌ها ایجاد کند که بر پایه احترام و فهم متقابل بنا شده است. نوسبام در این زمینه به آثار نویسندگانی چون آنتوان چخوف و جین آستین اشاره می‌کند و می‌گوید که این نویسندگان توانسته‌اند از طریق شخصیت‌های پیچیده و داستان‌های انسانی، خوانندگان را به درک عمیق‌تری از دردها و آرزوهای دیگران برسانند و در نهایت به تقویت اخلاق جهانی و صلح کمک کنند. او از ادبیات به عنوان ابزاری برای آموزش فضائل اخلاقی چون همدلی، انصاف و احترام به تنوع فرهنگی یاد می‌کند که این‌ها تماماً ویژگی‌های ضروری برای ایجاد و حفظ صلح جهانی هستند (Nussbaum, 2007: 85-89).

رمان‌ها فرصتی منحصر به فرد به خوانندگان می‌دهند تا با زندگی شخصیت‌هایی از فرهنگ‌ها، جوامع و پیشینه‌های تاریخی مختلف آشنا شوند. از طریق داستان‌پردازی، رمان‌ها این امکان را به خوانندگان می‌دهند که در دل زندگی دیگران قرار بگیرند و همدلی ایجاد کنند. این توانایی برای ارتباط برقرار کردن با افراد از گوشه و کنار جهان، می‌تواند در کاهش تعصبات، تقویت درک متقابل و در نهایت، ترویج صلح مؤثر باشد. در آثار نویسندگانی چون هاروکی موراکامی، به‌طور مثال، شخصیت‌ها معمولاً با موضوعاتی چون تنهایی، بیگانگی و جستجوی معنا در دنیای پیچیده دست و پنجه نرم می‌کنند. توانایی موراکامی در نوشتن با همدلی عمیق برای شخصیت‌هایش، بدون توجه به پیشینه‌های آن‌ها، به خوانندگان این امکان را می‌دهد که با وضعیت انسانی به‌طور عمیق‌تری ارتباط برقرار کنند. چنین همدلی‌ای می‌تواند به تغییرات اجتماعی گسترده‌تری به نفع صلح منجر شود. بر اساس فلسفه اخلاقی کانت، درک انسانیت مشترک دیگران یکی از اصول کلیدی در

ترویج صلح است. ادبیات، از طریق به تصویر کشیدن تجربیات انسانی، ابزاری برای تحقق این ضرورت اخلاقی در سطح جهانی می‌شود (Hutchinson, 2001: 263).

۳-۴- پرورش تخیل

بدون تردید قوه خیال یا تخیل دوشادوش قوه عاقله و فاهمه سرمنشاء بسیاری از تغییرات بزرگی بوده است که جهان طبیعی و بشری به خود دیده است. انسان نه از راه تفکر بلکه به مدد تخیل حاضر به نوآوری است. تخیل به ما امکان می‌دهد تا احتمالات و امکانات آینده را به تصویر بکشیم. تخیل حتی روی نحوه درک ما از گذشته و حال نیز تاثیر گذاشته و آن را تغییر می‌دهد. تخیل امکان تغییرات شگرف و بزرگ را برای بشر فراهم کرده است. به این معنا می‌توان گفت که قوه تخیل، قوه خلاقه ذهن بشری است و به انسان این امکان را می‌دهد تا گذشته را بازسازی کند، زمان حال را به نقد بکشد و آینده بهتری را بسازد. وانگهی، تخیل امکان تغییر برای وضع بهتر را در اختیار انسان قرار می‌دهد (انصاری، ۱۴۰۲: ۱۶۵-۱۸۵)؛ (Ansari, 2023: 165-185).

بدون تردید، ادبیات و به ویژه ژانر ادبی رمان اساسا مبتنی بر قوه تخیل است و بدون آن ممکن نمی‌شود. در واقع حتی می‌توان ادعا کرد که رمان همان تخیل است و همه خصوصياتی که به تخیل نسبت داده می‌شود را می‌توان به ادبیات نیز نسبت داد. یوسا به درستی اشاره کرده است که «نوآوریهای آفرینندگان ادبی بزرگ چشم ما را به جنبه‌های ناشناخته وضعیت خودمان باز می‌کند. وقتی می‌گوییم بورخسی این کلمه بلافاصله چیزی را برای ما تداعی می‌کند و آن جداسدن ذهن ما از نظم عقلانی واقعیت و ورود به عالم غریب است... و اینجا تنها به یمن آفرینش ادبی خورخه لویس بورخس شکل مشخصی گرفته است» (یوسا، ۱۳۸۵: ۲۹)؛ (Llosa, 2006: 11).

۳-۵- کنش‌گری اجتماعی و عدالت‌خواهانه

کنش‌گری اجتماعی نقش مهمی در شکل‌دهی جوامع، حمایت از عدالت و ترویج صلح در سطح جهانی ایفا کرده است. به عنوان نیرویی محرک برای تغییر اجتماعی، کنش‌گری تلاش دارد تا نابرابری‌ها را به چالش بکشد، سیستم‌های سرکوب‌گر را فروپاشد و جهانی مبتنی بر برابری و صلح ایجاد کند. فعالان اجتماعی از روش‌های گوناگونی مانند اعتراضات، حمایت از سیاست‌های عادلانه و سازمان‌دهی مردمی برای مقابله با بی‌عدالتی‌ها و ترویج حقوق بشر بهره می‌برند. در طول تاریخ، جنبش‌هایی مانند جنبش حقوق مدنی در ایالات متحده، مقاومت بدون خشونت گاندی در هند و مبارزه علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی نشان داده‌اند که کنش‌گری می‌تواند نقش تحول‌آفرینی در دستیابی به عدالت و صلح ایفا کند. عدالت یکی از مؤلفه‌های اساسی صلح است، زیرا نابرابری‌های ساختاری و سرکوب اغلب منجر به درگیری می‌شوند. بدون رفع بی‌عدالتی‌های سیستماتیک، صلح پایدار غیرقابل دستیابی خواهد بود. جنبش‌های تاریخی و معاصر بسیاری نشان‌دهنده نقش کنش‌گری در ترویج عدالت و صلح هستند. جنبش حقوق مدنی که به رهبری شخصیت‌هایی مانند مارتن لوتر کینگ جونیور انجام شد، از طریق مقاومت بدون خشونت، به برابری نژادی و عدالت در ایالات متحده دست یافت و به تصویب قوانینی مهم از جمله قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ منجر شد. جنبش ضد آپارتاید، به رهبری نلسون ماندلا و دیگران، به موفقیت در از بین بردن آپارتاید و استقرار

یک آفریقایی جنوبی دموکراتیک در سال ۱۹۹۴ انجامید. در سال‌های اخیر، جنبش‌های عدالت اقلیمی، با پیشگامی فعالانی مانند گرتا تونبرگ، بر ارتباط عدالت محیط‌زیستی و عدالت اجتماعی تأکید دارند.

ادبیات و مخصوصاً رمان را در عین حال باید ژانر کنش‌گری اجتماعی نیز نامید. این ژانر همزمان هم را به صلح دعوت می‌کند و هم به کنش‌گری فعالانه و عمدتاً خشونت‌پرهیزانه. خشونت پرهیزی رمان همانطور که اشاره کردیم ریشه در پذیرش تفاوت‌ها و تمایزهای بشری دارد و کنش‌گری آن در درک عمیق از کلیت بشری به مثابه یک واحد در هم تنیده. یوسا در این مورد نیز به درستی اشاره کرده است که «ادبیات خوراک جانهای ناخرسند و عاصی است، زبان رسای ناسازگاران و پناهگاه کسانی است که به آنچه دارند خرسند نیستند» (یوسا، ۱۳۸۵: ۲۴)؛ (Llosa, 2006: 24).

نتیجه‌گیری

همچنانکه در مقدمه گفته شد، صلح جهانی به مثابه یکی از آرمان‌های مشترک بشری همواره مورد توجه نخبگان، فیلسوفان و حتی توده مردم بوده است. بشر امروزین برای تحقق آن همزمان کوشیده است تا ترتیبات نهادی خاصی را تشکیل دهد که گسترش جنگ و خشونت جلوگیری کند. سازمان ملل در واقع یکی از مهم‌ترین ترتیبات نهادی است. با این همه، هنوز فاصله زیادی تا دست یافتن به این آرمان وجود دارد و بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه صلح بر این باورند که تحقق صلح فقط وابسته به این ترتیبات نهادی و حقوقی نیست و لازم است نگرش و رفتار بشری تغییر کند. در عین حال، به تعبیر هابرماسی، در این فهم بین‌الذهانی باید بپذیرد که در عین حال جهان بشری جهان تفاوت‌ها و تمایزها است. فرهنگ‌ها و شیوه‌های زندگی متکثری که از دل تاریخ طولانی و بلندبالایی برآمده‌اند، چونان لنگرگاههایی هستند که به هویت بشری شکل و سامان می‌دهند و آنها را در سازمان‌های اجتماعی متفاوت قرار می‌دهند.

ادبیات و ژانر رمان به مثابه میراث بشری یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌هایی است که امکان رویارویی خود و دیگری را میسر می‌کند. ما از طریق خواندن رمان فقط روایت زندگی آدمیان جامعه دیگری را مطالعه نمی‌کنیم بلکه از طریق کنش‌گری ذهنی و تخیل در جهان زیست متفاوت آنها قرار می‌گیریم؛ از این طریق به مرکز فرهنگ‌ها، سنت‌ها و آیین‌های دیگری وارد می‌شویم. از طریق به قول باختین دیالوگ با متن و کاراکترهای داستانی، جهان زیست آنها را کشف می‌کنیم. اما معجزه رمان فقط مربوط به فهم تفاوت‌ها و تمایزها نیست، با خواندن هر رمانی خواننده در می‌یابد که آدم‌های متفاوت در فرهنگ‌ها و حتی زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، بسیار دور یا حتی بسیار نزدیک، درست مانند خود او درگیر مسائل، دردها و رنج‌ها و آرمان‌ها و خواسته‌های مشترکی هستند. همدلی یکی از مهم‌ترین خصوصیات رمان است. رمان گویی ذاتاً عدالت‌خواهانه و کنش‌گرانه است. با درد و رنجی که بر آدمیان دیگری وارد می‌شود، دستخوش بیم و انزجاری بشری می‌شویم و این امکان را می‌دهد تا به جهان بدون درد و رنج بیندیشیم. به تعبیر آرنست همین که می‌اندیشیم انسان بهتری می‌شویم و انسانی که می‌اندیشید انسان صلح‌طلبی است. میان تفکر و صلح رابطه

مستقیمی وجود دارد و میان جنگ و ناتفکر. رمان با گشودگی خودش این امکان را فراهم می‌کند تا گام‌های پیوسته و مستمری به سوی صلح جهانی برداریم.

منابع فارسی

۱. انصاری، منصور. (۱۳۸۴). *دموکراسی گفتگویی: امکانات دموکراتیک اندیشه‌های میخائیل باختین و یورگن هابرماس*، تهران: نشر مرکز.
۲. انصاری، منصور. (۱۴۰۱)، *صلح پایدار کانت: بازخوانی نسبت بین سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال ۱۹، شماره ۳(۷۵)، ۸۰-۶۱.
۳. انصاری، منصور. (۱۴۰۲)، *تخیل، یوتوپیا و فلسفه سیاسی. فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی*، ۱۴(۱)، ۱۸۵-۱۶۳.
۴. یوسا، ماریو بارگاس. (۱۳۸۵). *چرا ادبیات*، ترجمه عبدالله کوثری، نشر لوح فکر.

English and French References

1. Abrams, M. H. (2012). *A Glossary of Literary Terms*. 10th ed., Cengage Learning.
2. Bakhtin, M. (1981). *The Dialogic Imagination: Four Essays*. University of Texas Press.
3. Barrère, J.-P., & Martuccelli, E. (2019). *Sociologie : De la théorie à la pratique*. Éditions du Seuil.
4. Batson, C. D. (2011). *Altruism in Humans*. Oxford University Press.
5. Boulding, Elis. (2000). *Cultures of peace: The hidden side of history*. Syracuse University Press.
6. Doe, Jane. (2015). Narratives for Peace: The Impact of Storytelling on Conflict Resolution. *Journal of Conflict Resolution*, 59(7), 1201-1226.
7. Eisenberg, N., & Strayer, J. (1987). *Empathy and Its Development*. Cambridge University Press.
8. Gallese, V., Keysers, C., & Rizzolatti, G. (2004). A unifying view of the basis of social cognition. *Trends in Cognitive Sciences*, 8(9), 396-403.
9. Galtung, J. (1969). Violence, Peace, and Peace Research. *Journal of Peace Research*, 6(3), 167-191.
10. Harris, P. L. (1992). From simulation to folk psychology: The development of a theory of mind. *European Journal of Psychology of Education*, 7(3), 321-334.
11. Hollan, D., & Throop, C. J. (2008). Whatever Happened to Empathy?, *Ethos*, 36(4), 385-401.
12. Hutchinson, F. (2001). *Kant's Ethical Philosophy and the Problem of Peace*. *Philosophical Quarterly*, 51(2), 258-276
13. Lukács, Georg. (1983). *The Historical Novel*. Translated by Hannah Mitchell and

- Stanley Mitchell, University of Nebraska Press.
14. Moses, M. V. (1995). *The novel and the globalization of culture*. Oxford University Press.
 15. Parekh, B. (2000). *Rethinking multiculturalism: Cultural diversity and political theory*. Harvard University Press.
 16. Parekh, B. (2006). *Multiculturalism and the remaking of political theory*. Palgrave Macmillan.
 17. Premack, D., & Woodruff, G. (1978). Does the chimpanzee have a theory of mind? *Behavioral and Brain Sciences*, 1(4), 515-526.
 18. Rallo-Ditche, Élisabeth. (2010). *Littérature et sciences humaines*. Auxerre, France: Éditions Sciences Humaines.
 19. Rylance, Christopher. (2016). Reading and the Making of Time in the Eighteenth Century. Routledge.
 20. Sidney, Philip. (2002). An Apology for Poetry. Edited by Geoffrey Shepherd, Manchester University Press.
 21. Smith, John. (2010). Literature as a Tool for Peace: Exploring the Role of Fiction in Promoting Cross-Cultural Understanding. *International Journal of Peace Studies*, 15(2), 45-60.
 22. Steinberg, Shirley R. (Ed.). (2009). *Diversity and multiculturalism: A reader*. New York, NY: Peter Lang Publishing.
 23. The Arbinger Institute. (2006). *The Anatomy of Peace: Resolving the Heart of Conflict*. Berrett-Koehler Publishers.
 24. Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*. Addison-Wesley.
 25. Watt, Ian. (1957). *The Rise of the Novel*. University of California Press.

Translated References to English

1. Abrams, M. H. (2012). *A Glossary of Literary Terms*. 10th ed., Cengage Learning.
2. Ansari, Mansour (2005). *Discursive Democracy: Democratic Possibilities of the Thoughts of Mikhail Bakhtin and Jürgen Habermas*, Tehran: Nashre-Markaz. **(In Persian)**
3. Ansari, Mansour (2023), *Imagination, Utopia, and Political Philosophy*, *Jameh-Pazhouhi Farhangi Quarterly*, Volume 14, Issue 1 (Serial 47). **(In Persian)**
4. Ansari, Mansour (2023). Perpetual Peace in Kant's Political Thought: Rereading the Relationship between Domestic Politics and International Politics. *Internnational*

Studies Journal (ISJ), 3(75), 61-80. **(In Persian)**

5. Bakhtin, M. (1981). *The Dialogic Imagination: Four Essays*. University of Texas Press.
6. Barrère, J.-P., & Martuccelli, E. (2019). *Sociologie : De la théorie à la pratique*. Éditions du Seuil.
7. Batson, C. D. (2011). *Altruism in Humans*. Oxford University Press.
8. Boulding, Elis. (2000). *Cultures of peace: The hidden side of history*. Syracuse University Press.
9. Doe, Jane. (2015). Narratives for Peace: The Impact of Storytelling on Conflict Resolution. *Journal of Conflict Resolution*, 59(7), 1201-1226.
10. Eisenberg, N., & Strayer, J. (1987). *Empathy and Its Development*. Cambridge University Press.
11. Gallese, V., Keysers, C., & Rizzolatti, G. (2004). A unifying view of the basis of social cognition. *Trends in Cognitive Sciences*, 8(9), 396-403.
12. Galtung, J. (1969). Violence, Peace, and Peace Research. *Journal of Peace Research*, 6(3), 167-191.
13. Harris, P. L. (1992). From simulation to folk psychology: The development of a theory of mind. *European Journal of Psychology of Education*, 7(3), 321-334.
14. Hollan, D., & Throop, C. J. (2008). "Whatever Happened to Empathy?" *Ethos*, 36(4), 385-401.
15. Hutchinson, F. (2001). *Kant's Ethical Philosophy and the Problem of Peace*. *Philosophical Quarterly*, 51(2), 258-276.
16. Lukács, Georg. (1983). *The Historical Novel*. Translated by Hannah Mitchell and Stanley Mitchell, University of Nebraska Press.
17. Moses, M. V. (1995). *The novel and the globalization of culture*. Oxford University Press.
18. Parekh, B. (2000). *Rethinking multiculturalism: Cultural diversity and political theory*. Harvard University Press.
19. Parekh, B. (2006). *Multiculturalism and the remaking of political theory*. Palgrave Macmillan.
20. Premack, D., & Woodruff, G. (1978). Does the chimpanzee have a theory of mind? *Behavioral and Brain Sciences*, 1(4), 515-526.
21. Rallo-Ditche, Élisabeth. (2010). *Littérature et sciences humaines*. Auxerre, France: Éditions Sciences Humaines.
22. Rylance, Christopher. (2016). *Reading and the Making of Time in the Eighteenth Century*. Routledge.

23. Sidney, Philip. (2002). *An Apology for Poetry*. Edited by Geoffrey Shepherd, Manchester University Press.
24. Smith, John. (2010). Literature as a Tool for Peace: Exploring the Role of Fiction in Promoting Cross-Cultural Understanding. *International Journal of Peace Studies*, 15(2), 45-60.
25. Steinberg, Shirley R. (Ed.). (2009). *Diversity and multiculturalism: A reader*. New York, NY: Peter Lang Publishing.
26. The Arbing Institute. (2006). *The Anatomy of Peace: Resolving the Heart of Conflict*. Berrett-Koehler Publishers.
27. Llosa, Mario. (2006). *Why Literature?* Translated by Abdollah Kowsari. Tehran: Lohe Fekr. **(In Persian)**
28. Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*. Addison-Wesley.
29. Watt, Ian. (1957). *The Rise of the Novel*. University of California Press.

